

حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی نظر میدهد

حاکمیت خلق

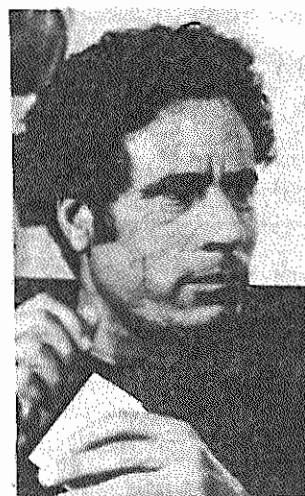
مصاحبه «مردم»
با رفیق ایرج
اسکندری

از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی، و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی، باید در قانون اساسی تصریح و تأمین شود

بقیه در صفحه ۲

معمّر القذافی رهبر لیبی:

اتحاد شوروی برای لیبی یک دوست است



قذافی: از نظر اجتماعی، آمریکا نه در قرون وسطی، بلکه در «قبل از قرون وسطی» بسر می برد.

پرستش - چرا شما خریدار سلاحه را از اتحاد شوروی دائماً افزایش میدهید؟ از نظر سرتانه، مقدار سلاحه ای که شما از اتحاد شوروی خریدید، از مقدار آن که شاه ایران از امریکای خرید، بیشتر است؟

پاسخ - این خریده هنوزم کافی نیست. این تسلیحات هنوز برای دفاع از کشورمان کافی است، بویژه آنکه مادر نظر داریم ارتشمان را منحل کنیم و همه مردم را مسلح سازیم.

پرستش - شما برخی از این سلاحها را در خارج از لیبی بکار میبرید، همانطور که کوبا و ویتنام در باره مناسبات لیبی و اتحاد شوروی،

معمّر القذافی، رهبر لیبی، مسلمان است و رهبر یک کشور مسلمان. وی از یک سیاست قاطع ضد امپریالیستی پیروی میکند، و در پیروی از همین سیاست قاطع ضد امپریالیستی است که کشورش دارای مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی است. و اینهم طبیعی است. اتحاد شوروی بدون قید و شرط، صادقانه و قاطعانه از همه نیروهای راستین ضد امپریالیستی، صرف نظر از تفاوت های عقیدتی و مسلکی، پشتیبانی میکند و اگر دولتی واقعا ضد امپریالیست است و بخواهد در مبارزه ضد امپریالیستی خود پیروز شود، به پشتیبانی و دوستی اتحاد شوروی نیاز حیاتی دارد. معمّر القذافی، با درک این واقعیت، طی مصاحبه ای با خبرنگار هفته نامه «نیوزویک» (مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۸ خرداد ۱۳۵۸) بار دیگر بر دوستی اتحاد شوروی با لیبی تأکید کرده است.

شایان ذکر است که خبرنگار نیوزویک، در برابر حملات شدید قذافی به امپریالیسم امریکا، طبق شیوه معمول خبرنگاران غربی، با طرح سئوالات تحریک آمیز و موزیانه، کوشیده است اتحاد شوروی را هم سطح ایالات متحده امریکا قرار دهد. ولی معمّر القذافی با پاسخ های روشن و قاطع خود، این تلاش نامعمول خبرنگار نیوزویک را نقش بر آب کرده است.

اینک بخشی از این مصاحبه درباره مناسبات لیبی و اتحاد شوروی،

در صفحات بعد:

اسناد ناظر به قرارداد ۲ جانبه ایران و امریکا باید منتشر شود (صفحه ۶ ستون اول)

چهارمین سالگرد اعتصاب خونین کارگران نساجی (صفحه ۶ ستون سوم)

بررسی کوتاهی از اوضاع پالایشگاه آبادان (صفحه ۳ ستون اول)

از رسول رنج به امام خلق - شعری از فرهاد ره آور (صفحه ۶ ستون اول)

امام خمینی مورد احترام همه مردم از جمله حزب توده ایران است. (صفحه ۲ ستون چهارم)

کنفرانس توکیو، متضاد توکیویی از منافع (صفحه ۵ ستون اول)

سیاست امپریالیستی بی اعتبار ساختن، زشت ساختن و غلط جلوه دادن

مار کسپیم - لنینسیم

ناپسند قرار میدهند، که منجر به بی اعتباری مارکسیسم شود. همین جهت گاس هال، دبیر کل حزب کمونیست امریکا زمانی بدستی گفت: حالا امپریالیسم کلاسی ارتجاعی و راست خود را در بسته بندی چپ در بسته بندی انقلابی و مارکسیستی بمیدان می آورد زیرا فکری کند راست و ارتجاعی آشکار در جهان امروز کمتر خریدار دارد.

پایین منظور، امپریالیسم خود رأساً بدست عمال دیپلمدار خود یا بدست کسانی که دوست دارند مارکسیسم را با ناسیونالیسم و لیبرالیسم بورژوازی قاطی کنند انواع واقسام «رنکارانک» مارکسیسم بوجود می آورد و سپس می گوید، بقیه در صفحه ۴

دلخواه رخدادهای تاریخی، از طریق مهربه بازی با آمارها، از طریق سوء استفاده از اعتقادات مذهبی یا احساسات میهن پرستانه و یا صاف و ساده از راه جعل و دروغ خاص و خالص، مارکسیسم را بعنوان یک نظریه غلط، متضاد، کهنه شده، ضد انسانی، تخیلی غیر علمی و غیره رد می کنند. در این زمینه هزاران کتاب و رساله از سطح آکادمیک گرفته تا سطح تبلیغات «بولوار» نوشته اند.

(۲) از درون، با تظاهر به قبول مارکسیسم - لنینسیم و با ادعای یافتن مارکسیسم - لنینسیم ناب، اصل، بی انحراف، آنرا بسوی تجزیه و انشعاب و تحریف می برند و آنرا «پرچم» یک سلسله اقدامات نه فقط نادرست، بلکه

تبلیغات امپریالیستها، و بر رأس آن دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم امریکا که کارشناس «سوء اسللاع» و منطه گری و گمراه سازی است، و در این فن، به ریزه کاریهای روانی انسان، بقصد دام گسترهای ابلهسی، وارد است، در زمینه سیاست ضد کمونیستی (که محور مرکزی سیاست ایده نولوژیک آنهاست)، اسلوب بی اعتبار سازی، زشت سازی و منطه در مارکسیسم - لنینسیم را بکار می برند.

بدون افراق، بدست «کارشناسان» این توطئه شیطانی که غالباً نام پرنتین دکتر و پروفیسور را نیز یدک می کشند، کوه البرزی کاغذ سیاه شده و صدها فرستنده به صد هাজারان شب و روز سرگرم اجراء این جهاد مقدس، اند.

از بدبختی آنها، حقیقت علمی مارکسیستی - لنینستی، علی رغم ظریفترین واژون سازها، راه خود را به پیش میکشاید و این واژون سازها، در بهترین حالات تنها میتواند این حرکت ظفر مندان را کند کند، نه بیش.

مبارزه امپریالیستها علیه مارکسیسم - لنینسیم بدو شکل انجام می گیرد، از برون و از درون.

(۱) از برون، از منبر انواع جهان بینی های ظاهراً فلسفی یا ظاهراً علمی، از راه تعبیر و تفسیر

دشمنان واقعی انقلاب را از مردم نباید پنهان کرد

معاون وزارت کشور با گفتن مطالب غیر واقعی در مورد کشورهای سوسیالیستی چه هدفی را دنبال می کند؟

حرفها و نظریاتی است که شنیدنش از زبان افراد عادی و غیر مسئول، و حتی خواندنش در صفحات برخی روزنامه های جنجالی، که برای جلب توجه خواننده، بدون توجه به مسوقیت اجتماعی خویش، گاه مبتذلترین خبرها را با عنوانهای «بسیار هیجان انگیز» و با حروف درشت در صفحه اول درج میکنند، آنقدرها عجیب و غیر عادی نیست.

اما وقتی یک مقام رسمی، با داشتن مقام معاونت یک وزارتخانه، میخواهد مطلبی را بیان کند، بسیار شایسته است که آنچه را میخواهد بیان کند، در ترازوی خود بسنجد، از اقامت دور نشود و شایعات مبتذل را ملاک گفتار قرار ندهد. خلاصه آنکه بقول معروف، دو بار ببینید و یک بار سخن بگویید.

متأسفانه آقای طباطبائی، معاون وزارت کشور، در بسیاری از گفتهها و مصاحبه های خود، نه رعایت ضرورت بیان حقایق را میکند و نه اساساً توجهی دارد باینکه بیانات خود را در مطابقت با مسؤلیت مقام رسمی خویش تنظیم کند.

آقای طباطبائی، ضمن بیانات خود در باره مجلس مؤسسان (کهان ۲۳ خرداد) - که در این زمینه خاص مورد تأیید ماست - معلوم نیست ناگهان چه طور ملهم میشوند و باین صرافت می افتند که رشته سخن را به کشورهای سوسیالیستی و بقول خودشان

بقیه در صفحه ۵

ضد انقلاب در روستاها: «آتش زیر خاکستر»

از مناطق جنوبی کشور خبر می رسد که همین عوامل ضد انقلاب، با همکاری زمینداران بزرگ، سرمایه داران وابسته و دلان و قاچاقچیان، گله گله گاو و گوسفند و دامهای دیگر را از مناطق دامپروری بیرون می کنند و با کشتی به کشورهای عربی خلیج فارس و دریای عمان صادر می کنند، و در عوض با همان کشتی ها، کالاهای قاچاق، از اسلحه گرفته تا انواع سیگارهای خارجی - بیشتر از آمریکا و اسرائیل - به کشور وارد می کنند و با استفاده از شبکه مجهز و گسترده پخش و فروش کالاهای قاچاق، که دست نخورده و بدون مانع در سراسر کشور و تا اعماق روستاها نفوذ دارد، به آسانی می فروشند. - نوع تازه این گونه خرابکاریهای ضد انقلاب راه آیت اله ربانی در شیراز افشا کرد و گفت: «متأسفانه چند روزی است که آشوبگران دست به کارهای تازه ای زده اند جنگلها را آتش می زنند. آنها ترور را رها کرده به جنبه اقتصادی روی آورده اند.» - روزنامه «اطلاعات» به نقل از خبرنگار خود در «سنقر» نوشت: «عده ای از عوامل سبهدیالیزبان، آدمکش فراری، چند روز قبل در روستای «کهریز» واقع در غرب سنقر کلبایی، قصد استخدام چریک داشتند، که در برابر مقاومت اهالی روستا پایه فرار گذاشتند.»

بقیه در صفحه ۴

در باره فعالیت های جنایتکارانه ضد انقلاب، از جمله در روستاها، هر روز، خبرهای تکان دهنده ای در روزنامه ها انتشار می یابد، که اگر دولت موقت چنانکه متأسفانه شیوه کنونی آن است، در مهار کردن این فعالیتها با قاطعیت انقلابی اقدام نکند، دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران را در معرض خطرهای جدی تر قرار خواهد داد:

- چندی پیش وزارت کشاورزی و منابع طبیعی در اطلاعیه ای خطاب به روستاییان، که اکنون در کار جمع آوری محصول هستند، هشدار داد که عوامل ضد انقلاب به روستاها روی آورده اند، و به عنوان خریدار فرآورده های کشاورزی، پیشنهاد می کنند که قله کاران و سایر تولید کنندگان، محصولات خود را با قیمتی بیش از قیمت بازار یا قیمت تضمین شده دولت به آنان بفروشند. در این اطلاعیه تأکید شده است که، این به اصطلاح خریداران و دلان، در حقیقت عوامل فروخته شده ضد انقلاب اند و قصدشان این است که فرآورده های کشاورزی و دامداری را به هر قیمت که باشد ولوبانایا بود کردن کالاهای از بازار مصرف داخلی خارج کنند و بدینسان نوعی قطعی مصنوعی بوجود آورند.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

امام خمینی مورد احترام همه مردم و از جمله حزب توده ایران است

نظیر وضع امروز ما، خطرهای در تمام نقاط در کمین ماست. در برابر همه توطئه‌هایی که علیه رژیم انقلابی ایران میشود، تنها امام خمینی است که با احترامی که بین همه و از جمله حزب توده ایران

دارد و يك مرد توفان به همان بزرگی لیکن و لین با تمام خصوصیات لازم برای رستگاری ملت و مردم ایران است، جمیع شرایط برای ریاست جمهور شدن را دارا میباشد.

شاه مخلوع به میهن خود اسرائیل باز میگردد

شاه به دامن یکی از دو میهن اصلی خود، یعنی اسرائیل باز میگردد. میهن دیگر او امریکاست که بی شک مقدمات سفر شاه به اسرائیل بدستوران فراهم شده است.

یکی از نمایندگان پارلمان اسرائیل بنام ساموئل اسلاتوشارون اعلام کرده است که، شاه مخلوع و خانواده اش دعوت شده‌اند تا در اسرائیل زندگی کنند. این دعوت هم طی يك نامه‌ای و هم در يك ارتباط تلفنی باطالع شاه رسیده است. در همین نامه ارتباط تلفنی به شاه یادآوری شده است که او میتواند با توجه به تدابیر امنیتی کافی، در اسرائیل اقامت کند. واقعیت اینست که دولت امریکا

که میخواهد بهر نحو شده بقایای نفوذ خویش را در ایران حفظ و زمینه بازگشت را برای خود فراهم کند، و از طرف دیگر میداند که با پناهندگی دادن به شاه مخلوع خشم به حق خلق ایران را بر می انگیزد و این هدف را از بین میبرد، توسط دلالتان سیاسی خویش نظیر کی‌سینجر و راکفلر، که در واقع دولت اصلی و حاکم واقعی امریکا هستند، تلاشی را برای اسکان شاه در نقطه‌ای از جهان، که زیر نفوذ مستقیم امریکا باشد، آغاز کرده، که ظاهراً دعوت وی به اسرائیل نتیجه این تلاش است. البته این در شرایطی است که حدس زده میشود که اگر رژیم خود فروش سادات، امنیت جانی شاه مخلوع را تضمین کند و خود دچار تزلزل در داخل کشور نشود، میتواند بفرمان امریکا میهماندار شاه مخلوع باشد.

از سوی دیگر اقامت شاه مخلوع در يك کشور واقع در منطقه خاورمیانه، این امکان را برای امریکا و شاه مخلوع فراهم میآورد که از نزدیک عملیات ضد انقلابی علیه رژیم انقلابی ایران را رهبری کنند. بی شک شاه مخلوع پس از ورود به امر و یا اسرائیل، بر عملیات ۹ هزار ساواکی و عمال رژیم گذشته، که اکنون پرویز ثابتی چلاد فراری ساواک فعالیت‌های ضد انقلابی آن‌ها را اداره میکند، نظارت مستقیم خواهد کرد.

چرا نگهبانان مراکز توزیع برق تهران را برداشته‌اند؟

مراکز توزیع برق تهران میباید در برابر هرگونه خرابکاری با دقت و جدیت کامل محافظت شود. در این نکته تردیدی نیست. تا بحال هم این محافظت انجام می‌گرفته. ولی خبرنگران کنده‌ای که بدست آورده‌ایم اینست که تعداد زیادی از نگهبانان این مراکز را تحت عنوان «آموزش» برداشته و به سایر قسمتها منتقل کرده‌اند. نتیجه اینکه بسیاری از مراکز برق تهران بدون نگهبان مانده‌اند.

اینکه این تصمیم بعد یا بسو انجام گرفته، مسئله‌ای است که باید روشن شود. ولی از اینکه این تصمیم غلط و خطرناک است، تردیدی نمیتواند وجود داشته باشد. ما از مسئولان امر خواهان رسیدگی فوری به این مسئله هستیم.

ازرقفا و هواداران و دوستان

تقاضا میکنیم که چکهای کمک مالی به حزب را با شماره حساب و نام گیرنده مشخص نمایید. چکهای فاقد مشخصات قابل وصول نیست. دارنده حساب، تقی کی‌متش، شماره حساب، ۳۳۳۲، شعبه ۴۱۸، بانک ملی ایران (شاه اسماعیل صفوی)

ضد انقلاب در روستاها...

بقیه از صفحه ۱

این نوکران استعمار به روستاییان گفتند که از سوی پالیزبان مأموریت دارند، در ازای ماهی شش هزار تومان، چریک استخدام کنند و حقوق سه ماهه را نیز از پیش پرداخت خواهند کرد. اهالی روستا در صدد دستگیری آنها برآمدند، ولی عوامل پالیزبان، که مسلح بودند، موفق شدند فرار کنند. همین روزنامه ابتدا خبر داد که ۳۵ تن از این اشرار در نوار مرزی (اسرپل ذهاب) دستگیر شدند.

همچنین نامه‌ای را که «بلوچهای مقیم مرکز»، درباره عوامل ضد انقلاب و شیوه کار آنها در سیستان و بلوچستان، به آقای بازرگان نخست‌وزیر نوشته بودند، در روزنامه‌ها درج شده بود. در این گزارش همدستان و همگامی سرسپردگان شناخته شده رژیم گذشته با برخی از افراد شاغل در نیروهای انتظامی این منطقه افشا شده است که خلاصه آن را می‌خوانید: «عوامل و سرسپردگان رژیم گذشته، یعنی آنها و مزدوران محلی آنها، این روزها متوسل به حیل می‌شوند و با نزدیک کردن خود به مقامات انتظامی (ژاندارمری، شهربانی و ارتش)، از وقایع و جریانهای روز اظهار نارضایتی می‌کنند و می‌گویند که آماده‌اند جلوی این وقایع و ناراحتی‌ها را بگیرند. چای‌بسی تأسف و تأسف است که این مقامات هم، با آنکه آنها را می‌شناسند، همکاری دروغین و مصلحتی آنها را می‌پذیرند... با این کارها (هم) اکنون این عده با استفاده از اسلحه‌های رایگان واهدایی، هر چه آزادتر، به قتل و غارت و راهزنی و کارهای تنگین خود ادامه می‌دهند».

بلوچهای مقیم مرکز، برای مقابله با این خطر بزرگ ضد انقلاب، خواستهای خود را از دولت به این شرح اعلام کردند، ۱- ایجاد کار با اجرای طرحهای عمرانی سودمند و احیای کشاورزی، از طریق پرداخت وامهای بلند مدت کم بهره یا بدون بهره به کشاورزان واقعی، ۲- دستگیری و مجازات سرسپردگان رژیم قبلی و عوامل ضد انقلاب، ۳- تأمین امنیت از طریق تشکیل گروههای پاسدار توسط نیروهای محلی و مردمی، ۴- تصفیه سازمانهای انتظامی و ادارات دولتی از عوامل فاسد و ضد انقلاب. اینها، قسمتی بود از فعالیت‌های رشد یابنده ضد انقلاب در روستاهای ایران، که آزادانه و غالباً بدون برخورد با مقاومت جدی سازمانهای دولتی، ادامه دارد. دامنه این خرابکاریها، که چون حلقه‌های زنجیر در سراسر کشور، در شهر و روستا، پیوند یافته‌است، بدان سبب هر روز گسترش می‌یابد و اشکال تازه‌ای به خود می‌گیرد، که

چهره اداری و فرهنگی است. چهره اداری به معنی برخورداری از حقوق در زمینه وصول و مصرف عوارض محلی و بویژه مالیات‌های مستقیم، تأمین بهداشت، حفظ امنیت داخلی شهرها و نظایر آنست اما چهره فرهنگی علاوه بر آزادی زبان مادری و استفاده از آن در زمینه آموزشی و پرورشی عمومی و تعلیمات دانشگاهی و حرفه‌ای روستائی و موارد دیگر یادآوری شده در پیشنهاد حزب، شامل امکان رشد هنر و ادبیات ملی و حفظ آداب و سنن محلی و همچنین عمل به عقاید دینی واحدهای ملی نیز میگردد.

حزب توده ایران بر آنست که با تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسائی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی، میتوان هم توطئه‌های امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آنرا عقیم گذارد و هم اتحاد آگاهانه و داوطلبانه خلقها را پررزی کرد و بدینسان نیروی خلاقه عظیم مردم سراسر کشور را در راه جهاد برای سازندگی در جامعه نوین بکار گرفت.

حاکمیت خلق از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی، باید در قانون اساسی تصریح و تأمین شود

در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به هیات دولت موقت جمهوری اسلامی، که در روزنامه «مردم» (شماره ۳۰) انتشار یافت، در پیشنهاد مربوط به حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن گفته میشود:

«حاکمیت خلق از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورایی ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده، که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که به تصویب مجلس شورایی ملی میرسد، نسبت بامور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیت‌ها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند».

تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند، که حدود آنرا قانون تعیین میکند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد».

در این پیشنهاد، از صونتی تشکیل شوراهای محلی در سراسر کشور و از صونتی دیگر ویژگیهای واحدهای ملی در چارچوب شوراهای مطرح میشود، که هر دو آنها، در شرایط مشخصی کنونی، در به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند مردم ایران نقشی بسزایی دارند.

تشکیل شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده موضوع جدیدی نیست. این یکی از خواستهای اساسی توده‌های مردم طی بیش از نیم قرن اخیر است که، علیرغم مبارزات سرسخت و پیگیر نیروهای ملی و مترقی، هیچگاه جامه عمل نپوشید. گرچه نظریه «سپردن کار مردم بدست مردم» در دوران رژیم خودکامه پهلوی به قیاسی گسترده تبلیغ میشد، ولی بعلمت نرس حیوانی سران رژیم از توده‌های خلق، عملاً کار مردم بدست گروهی از ایادی امپریالیسم و ارتجاع داخلی سپرده شد، که نتایج فلاکت‌بار آن اکنون برای احدی پوشیده نیست.

اصولاً در شرایط حکمرانی دیکتاتوری سلطنتی، مسئله اعمال حاکمیت خلق بوسیله شوراهای منتخب مردم نمیتوانست مطرح گردد. این انقلاب پیروزمند خلقهای میهن ما است که امکان طرح و عملی ساختن مسئله پس میهم و حیاتی سپردن کار مردم بدست مردم به معنی واقعی آن، یعنی اعمال حاکمیت خلق را، از طریق شوراهای محلی، فراهم آورده است.

و اما پیشنهاد حزب توده ایران در مورد اختیارات واحدهای ملی، که میباید در چارچوب شوراهای استان بمرور اجرا گذارده شود، از آن لحاظ حائز اهمیت است که، گرچه در پیش‌نویس قانون اساسی ارائه شده از جانب دولت موقت، وجود اقوام فارسی، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظایر آن و برابری حقوق آنها تأیید شده، با اینهمه به یکی از معضلات کشور، یعنی مسئله اختیارات اداری و فرهنگی واحدهای ملی ساکن میهن ما توجه کافی نشده است.

حزب توده ایران از نخستین روز تشکیل، با در نظر گرفتن شرایط عینی جامعه، مسئله تأمین حقوق خلقهای ساکن ایران را مطرح و در راه حل آن مبارزه کرده است. برنامه حزب توده ایران، پس از تذکر اینکه، رشته‌های مختلفی خلقهای ساکن ایران را بهم پیوند میدهد، بدرستی خاطر نشان میسازد که:

«این خلقها طی قرنهای متمادی تاریخ با یکدیگر سروشت مشترکی داشته‌اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و پرازنده ایران باهم همکاری کرده‌اند و در راه استقلال و آزادی می‌جنگیدند و دوشادوش هم فداکاریهای بیشمار نموده‌اند».

یکی از بارزترین مظاهر این همبستگی و فداکاری در راه استقلال و آزادی ایران، مبارزه متحد قهرمانانه خلقهای ساکن میهن ما علیه رژیم جابر و دست‌نشانده امپریالیسم امریکا بود، که به پیروزی انقلاب پر توان مردم انجامید. خلقهای ایران در جریان این نبرد تاریخی به ثبوت رساندند که منافع اساسی آنها در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه حفظ استقلال، آزادی و تمامیت ارضی ایران باهم در می‌آمیزد.

بنظر ما، اکنون که انقلاب وارد مرحله نوسازی جامعه گردیده، اتحاد عمیق بین خلقهای ایران، از طریق تأمین برابری کامل حقوق آنها، بیش از پیش کسب اهمیت میکند. زیرا در گذشته ستم ملی، که از جانب رژیم سرنگون شده اعمال میشد، مانع بزرگی در راه ترقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سراسر کشور بود. در هم شکستن این سد و طیفه کلیه نیروهای صادق به انقلاب است.

بهین دلیل، حزب توده ایران مسئله خودمختاری را بعنوان وسیله‌ای برای دستیابی به ایجاد يك اتحاد واقعی و معنوی بین خلقهای ایران بشکل مشخص و تاریخی مطرح میسازد. از این دیدگاه، مسئله خودمختاری در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی ایران، دارای دو

بطور عمده، روش سازشکارانه و ناپیکار دولت موقت زمینه‌های مساعدی برای آن به وجود می‌آورد،

همه می‌دانند که خانها و زمینداران بزرگ، که ریشه پوسیده فئودالی آنها هنوز از زمین کنده نشده است، و سرمایه‌داران نوکیسه‌ای که در ۲۵ سال اخیر به روستاها چنگ انداخته‌اند، به لحاظ برخورد طبقاتی خود با انقلاب، از مطمئن‌ترین عوامل رژیم سرنگون شده پهلوی و امپریالیسم و تواناترین نیروی ضد انقلاب در روستاها هستند. همین‌ها هستند که با همدستی با زمانندگان ساواک و ایادی استعمار، بازرر تفنگچیان و چاقوکاران مزدور خود، به روستاها می‌تازند، دهقانان و خانواده آنها را از زمین و خانه‌شان بیرون می‌رانند، زمینهای روستاییان را تصاحب می‌کنند، محصولات و حاصل رنج و زحمت آنها را به غارت می‌برند و بدینسان پایگاه تازه‌ای برای ضد انقلاب بنیان می‌نهند. با آنکه امام خمینی در پاسخ استناداران، که در این خصوص از ایشان کسب تکلیف کردند، با قاطعیت و با هشیاری انقلابی چنین فتوا داد که، اینان خرابکاران و مفسدان هستند و دولت موظف است با نیروی ارتش و ژاندارمری و با همکاری پاسداران انقلاب آنان را به جای خود نشانند، با اینهمه، کار دولت از صدور اعلامیه و «تهدید» جلوتر نرفت. و تا آنجا که معلوم است هنوز این خرابکاران و مفسدان در بسیاری از مناطق روستای کشور به تاخت و تاز و تاراج و ویرانسازی خود ادامه می‌دهند، و هنوز بسیاری از دهقانان آواره در شهرها، از این اداره به به آن کمیته سرگردانند. هر روز خبرهای بسیاری در این زمینه

می‌خوانیم، چنانکه در آخرین شماره هفته نامه «جرم» (برای دهقانان) آمده است که، کشاورزان رانده شده از روستاهای اطراف ارومیه و سلماس، که خانه و زمین آنها مورد تجاوز آشکار اربابان سابق قرار گرفته است، از امام خمینی خواسته‌اند که هر چه زودتر متجاوزان سرکوب گردند تا کشاورزان بتوانند با مراجعت به خانه و کاشانه خود به کشاورزی بپردازند. کنترل مرزهای منطقه، جبران خسارات مادی و معنوی روستاییان، و دستگیری و مجازات یاغیان و متجاوزان از جمله خواستهای این دهقانان است.

بسیاری از بازمانندگان ساواک و رژیم سرنگون شده هنوز آشکارا در میان مردم، و بویژه در میان روستاییان نواحی مرزی، پراکنده و به فعالیت‌های خرابکارانه خود آزادانه ادامه می‌دهند. چنانکه از برخی خبرها برمی‌آید، این عناصر در مواردی با واحد های انتظامی محلی رابطه دارند و با استفاده از این پیوستگی است که فعالیت‌های جنایتکارانه ضد انقلاب بیش از پیش گسترش می‌یابد و به اشکال تازه جلوه می‌کند.

با توجه به این حقیقت که نیروهای اصیل انقلاب ایران در روستاها را بطور عمده دهقانان و زحمتکشان تشکیل می‌دهند، و اینها هستند که می‌توانند، قاطع‌تر و بی‌گتر از همه، به وجود کانونهای ضد انقلاب در محل خود دست یابند و این کانونها را در نقطه خفه کنند. باید گفت متأسفانه بعضی مقامهای محلی دبرخی از کمیته‌ها، با ابراز بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی در برابر اینهمه شور و شوق انقلابی، می‌کوشند دهقانان را به «مسالمت» و تبسمت از سرسپردگان ضد انقلاب وادار کنند.

تجربه همه انقلابها، و از جمله تجربه کاملاً تازه انقلاب مردم ایران، نشان میدهد که برای افشای و سرکوب ضد انقلاب باید قبل از هر چیز توده‌های مردم، زحمتکشان شهر و روستا را تجهیز کرد، متشکل ساخت و متحد نمود. در برابر چنین نیروی متحدی هیچ قدرت ضد انقلابی قادر به مقاومت نیست. این تجربه را نه فقط بیاد داشته باشیم، بلکه تا دیر نشده است بدان عمل کنیم

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

آخرین قسمت

بسیار در مصاحبه‌ای که با محله تهران مصور، مورخ ۲۵ خرداد، کرده‌اید مسئله اتحاد نیروها مطرح شده است چون نظر بهمان دلالی که در اعلامیه منتشره در روزنامه مردم مورخ ۲۶ خرداد بیان شده است، پاسخهایی که در مقابل این سؤال آمده، روشن نیست، خواهشمند است برای خوانندگان روزنامه مردم توضیح دهید: اولاً بنظر شما در شرایط کنونی یا چه نیروهایی میتوان و بایست متحد شد؟ ثانیاً موانع این اتحاد کدامند؟ ثالثاً چگونه میتوان باین اتحاد دست یافت؟

ج- جواب این سؤالات را بر نامه حزب توده ایران بدرستی و باروشنی تمام بیان کرده است. بر نامه حزب توده ایران تصریح میکند که «شرط اساسی تأمین پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک، ایجاد جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک است» و طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک را که بر نامه حزب وارد در این حکم میداند، عبارتند از: کارگران، دهقانان، خرد و بورژوازی شهر (پیشه‌وران و کسبه)، روشن‌فکران میهن‌پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی». بنا بر این در شرایط کنونی که انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در نخستین هدف خود، یعنی سرنگون ساختن رژیم جنایتکار پهلوی، با اتحاد همه نیروهای خلق پیروزی یافته است، مسلم است که مسئله اتحاد همه این نیروها و عمل متحد آنها در جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب، درهم شکستن دستگاه دولتی حکومت وابسته، جابرو فاسد گذشته، سرکوب قطعی ضدانقلاب و اقدام در جهت ایجاد جامعه‌ای متکی بر مصالح و منافع خلق، شرط ضرور موفقیت‌های آینده علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

بنا بر این روشن است که بشیر دشمنان خلق، یعنی طبقات و گروههایی که بنحوی از انحاء وابسته به امپریالیسم و رژیم فاسد، ستکار و خیانت‌پیشه گذشته هستند و یا از سیاست و خط مشی ضد انقلابی آنها پیروی میکنند، همه نیروهای دیگر جامعه بالقوه در این جبهه وسیع ملی و دموکراتیک جادارند.

بدیهی است که ایجاد چنین اتحاد وسیع نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه ایران، امر ساده‌ای نیست. یک سلسله دشواریهای عینی و ذهنی در برابر این مهم وجود دارد که بنا به تصریح بر نامه حزب «باید با یکگیری، ابتکار، نرزش و حرکت کام بکام باین هدف مهم که وثیقه پیروزی خلق است دست یافت».

تردیدی نیست که طبقات و قشرهایی که بالقوه در این اتحاد وسیع جادارند، از لحاظ طبقاتی منافع مشترک ندارند، و ناچار گروههای سیاسی که نماینده طرز تفکر آنها هستند، نمیتوانند در باره همه مسائل سیاسی و اجتماعی وحدت نظر داشته باشند.

ولی اتحاد سیاسی برای انجام هدفهای مشخص بمعنی وحدت نظر در کلیه زمینه‌ها نیست، زیرا اگر در همه مسائل اتفاق نظر میبود، آنگاه سخن از اتحاد دیگر مفهومی پیدا نمیکرد. شمار اتحاد در جهت نقاط و هدفهای مشترک، منطقی متضمن وجود اختلاف نظر در برخی مواضع و اشترک در بعضی دیگر است.

پیروزی انقلاب بزرگ خلق ما با صراحت تمام این حقیقت را آشکار ساخت که میلیونها مردم کشور ما، علی‌رغم گرایشهای گوناگون عقیده‌ای و سیاسی توانستند گرد شمار واحدی، همانا سرنگون ساختن رژیم منقر و وابسته پهلوی، متحد شوند و به نخستین هدف انقلاب با قدرت جمعی خود دست یابند. ولی اتحاد بمنظور سرنگون ساختن رژیم که سبب راه انقلاب است، بمراتب آسانتر از متحد ساختن نیروها در دوران سازندگی است. زیرا رژیم که مانع انقلاب است، بطور عینی در خارج وجود دارد و چون ملموس است، در برابر همگان تجلی میکند، در صورتیکه در مورد مسائلی که در دوران سازندگی انقلاب مطرح میشود، هدفها و نظرات طبقات و اقشار مختلفه جامعه، نظریه‌انگیزه‌های طبقاتی آنها، ناگزیر متفاوت است.

این پدیده هم اکنون در جامعه ما بنحوی بارزی چشم میخورد. نمیتوان منکر شد که اکنون میان سیاست حزب ما، که متوجه تعمیق همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک است، و سیاست گروههای دیگر سیاسی، چه از لحاظ تشخیص جهت عمده مبارزه در لحظه کنونی و چه درباره درجه یکگیری در مورد چگونگی دفاع از دستاوردهای انقلاب و هدفهای دورنمای آن، اختلاف نظرهای گاه جدی وجود دارد. ولی این اختلاف نظرها هر چه باشد، نافی وجود نقاط مشترک نیست.

بر پایه همین نقاط مشترک است که میتوان و باید اتحاد نیروها را تأمین نمود. آنچه در لحظه کنونی، بنا بر اولویت، میتواند همه نیروهای خلق را متحد سازد، عبارت از مبارزه علیه جبهه متحد ضد انقلاب، یعنی عمل مشترک امپریالیسم و اعمال رژیم سرنگون شده، دفاع از دستاوردهای انقلاب و تثبیت و تحکیم پایه های رژیم دموکراتیک آینده است. در واقع همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران، صرف نظر از تفاوت در ارزشها و مواضع مختلفی که نسبت باین یا آن مسئله سیاسی و اجتماعی دارند، در اقدام بمنظور غیر قابل برگشت ساختن رژیم وابسته اختناق و ترور گذشته (هر سورتی که بخواهد تظاهر کند) منافع مشترک واقعی و غیر قابل انکار دارند و بنا بر این میتوانند با هم بدین منظور وحدت عمل و اتحاد داشته باشند.

هم درک این واقعیت سیاسی، مطلق ساختن نظرات و اختلافات بجای تکیه بر جهات مشترک، کم بها دادن به ضرورت وحدت عمل و اتحاد در برابر صفت متحد امپریالیسم و ارتجاع، انحصار جوئی در اندیشه و عمل، خود بسندگی، پیش‌داوری درباره احزاب و گروههای دیگر، بویژه در مورد حزب توده ایران... بطور فشرده اینها ذهنهایی هستند که تاکنون مافع از پیشرفت امر اتحاد شده‌اند.

بدیهی است که امپریالیسم و ارتجاع کوشیده و می‌کوشند که ماهرانه از این تفرقه نیروها استفاده کنند و تا حدی که امکان دارند برای ایجاد و تعمیق شکاف میان نیروهای خلق تحریک و تبلیغ نمایند.

حزب توده ایران همواره بر این عقیده بوده و اکنون نیز بر این عقیده است که اتحاد نیروهای خلقی از لحاظ عینی امری است ضرور و دست‌یافتنی. حزب ما بسهم خود می‌کوشد از راه توضیح روشن مواضع خود (چه در گذشته و چه در لحظه کنونی) از طریق مذاکرات دو جانبه و چند جانبه بمنظور رفع شبهه‌ها و آماده ساختن زمینه وحدت عمل، از راه شرکت در اقدامات مشخص، به همراه گروه‌های دیگر، و یک سلسله همکاریهای دیگر در جهت شمارش کماباز در لحظه کنونی بر فروع موانع و هموار ساختن زمینه های لازم برای اتحاد همه نیروهای خلق موفق گردد. بنظر ما، اگر این کوشش‌ها از جانب گروههای سیاسی دیگر نیز بکار بسته شود، میتوان با سرعت اوقات به‌جبهه واحد دست یافت.

س: سیاست حزب در مورد آزادیهای دموکراتیک چیست؟ پیوند مبارزه بر ضد امپریالیسم و مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک چیست؟ لبه تیز مبارزه در شرایط کنونی باید بر ضد چه باشد؟

ج- دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک و مبارزه بیکر و مستمر برای آن، یکی از اصول برنامه‌های حزب ما و خط مشی سیاسی آنست. حزب ما همواره، طی دورانهای مختلفه حیات خود، مدافع سر سخت حقوق و آزادیهای مردم بوده و هیچگاه از این وظیفه سر باز نزده است. یک مراجعه حتی سطحی به اسناد و مدارک رسمی حزب ما، به مقالات و جزوه‌های متعددی که از جانب حزب ما انتشار یافته و به گفتارهای رادیوی پیک ایران، بروشنی تمام این حقیقت را نشان می‌دهد. بنا بر این مسلم است پرسشی که مطرح شده مربوط به سیاست حزب در لحظه کنونی است، نه در باره خط مشی حزب در دوران پیش از انقلاب.

برای پاسخ باین سؤال بدوا باید متذکر شوم که میان مبارزه علیه امپریالیسم و مبارزه برای حقوق و آزادیهای دموکراتیک پیوندی ناگسستی وجود دارد. در واقع در عین اینکه مبارزه علیه امپریالیسم بدون برخورداری مردم از حقوق و آزادیهای دموکراتیک نمیتواند به نتیجه قطعی برسد، نفس مبارزه ضد امپریالیستی خود ماهیتاً مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک است، زیرا تا امپریالیسم بر کشور حاکم باشد، نیل به آزادی واقعی مقدور نیست. این دو مبارزه دوروی یک‌مدال هستند و نمیتوان یکی را بدون دیگری به نتیجه رساند. اما در هر لحظه معین، یکی از این دو مبارزه یگانه میتواند اولویت پیدا کند و بصورت وظیفه عمده در آید، یعنی کوششها و فعالیتهای سیاسی باید ضرورتاً یکی از آن دو را بر دیگری مقدم دارد. اما این اقدمیت به هیچوجه بمعنای نفی آن وظیفه دیگر نیست، بلکه فقط بمنزله تأکید آن از وظیفه عمده است. بدینگونه سخن، در لحظه کنونی مبارزات انقلابی کشور ما، هنگامیکه نبرد برای سرکوب ضدانقلاب، بسرکردگی امپریالیسم، و بمنظور ریشه کن ساختن نفوذ و ویران ساختن نقاط رخنه آن در حیات اقتصادی و سیاسی کشور، بصورت وظیفه مقدم همه نیروهای ملی و دموکراتیک در آمده است. مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک ضرورتاً باید در چهار چوب این وظیفه مقدم قرار گیرد و هر عملی در این زمینه باید با توجه به جهت عمده مبارزه و احساس مسئولیت در برابر وظیفه مقدم انجام شود، بنحویکه مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک نتواند به مبارزه ضد امپریالیستی زیان برساند و وسیله‌ای در دست دشمنان انقلاب برای تضعیف قدرت انقلابی و منحرف ساختن مردم از مبارزه اساسی گردد.

بدیهی است که این حکم نمیتواند بمعنای نفی مبارزه در مواردی باشد که حقوق و آزادیهای خلق از جانب مراجع دولتی یا ارگانهائی که قدرت انقلابی را اعمال میکنند، نقض میشود و وظیفه عمده مبارزه حکم میکند که در این موارد حزب ما علیه چنین اقداماتی به جان نبداری از نیروهای خلق برخیزد و از حقوق و آزادیهای نقض شده دفاع نماید، تا مبارزه متحد ضد امپریالیستی در نتیجه نقض این حقوق و آزادیها تضعیف نشود.

از سوی دیگر منطبق درونی انقلاب حکم میکند که از افتادن در دام مطلق سازی حقوق و آزادیهای دموکراتیک بپرهیزیم. یعنی باستناد مطلقیت حقوق و آزادیهای دموکراتیک، بدست خود اسلحه نیروهای ضد انقلابی را بر اثر تکیه و آلت تسهیل وسائل برای امپریالیسم و ارتجاع نگردیم. در واقع اگر چنین اطلاق را بپذیریم، آنگاه باید دست نیروهای ضد انقلاب را مثلاً برای ایجاد احزاب هوادار امپریالیسم و رژیم گذشته، برای تبلیغ علیه حکومت انقلابی خلق، برای اقدام جمعی بر ضد آن و غیره باز گذاریم. یا بعبارت دیگر، راه دشمنان انقلاب را، با تکیه قدرت انقلابی خلق، هموار سازیم. نیاز به توضیح نیست که چنین عملی نه تنها به تأمین حقوق و آزادیهای خلق کمک نمیکند، بلکه درست در جهت سلب این حقوق و آزادیها از مردم است. بنا بر این تدبیر صحیح انقلابی حکم میکند که این باصطلاح آزادی مطلق را فدای آزادی و حقوق واقعی مردم کنیم و با قدرت انقلابی مانع از آن شویم که دشمنان خلق از حقوق دموکراتیکی که خود مطلقاً برای مردم قائل نیستند، بزیان منافع خلق استفاده نمایند.

دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک خلق و مقاومت در برابر نقض این حقوق و آزادیها نه تنها حق مسلم مردم است، بلکه وثیقه اساسی برای جلوگیری از بازگشت بر رژیمهایی نظیر گذشته است. جنبش انقلابی خلق ما نشان داد که فقط در سایه اتحاد و مقاومت جمعی است که میتوان از حقوق و آزادیهای خلق بنحو احسن دفاع نمود و آنرا همه‌جانبه گسترش داد. تنها با برخورد صحیح در مورد استفاده از این حق و با توجه به مصالح نهضت در مجموع آن و تشخیص مبارزه عمده از غیر عمده در لحظات معین است که میتوان به تحکیم و تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و پیشرفت جامعه در جهت دموکراسی واقعی یاری رساند.

در شرایط کنونی مهمترین عمل در جهت تجلی و تأمین دموکراسی

عبارتست از، دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن، زیرا نخستین هدف ضد انقلاب بسرکردگی امپریالیسم امریکا، جز سرکوب آزادی در کشور ما چنین دیگری نیست.

س- سیاست حزب رادار پشتیبانی از امام خمینی و رهبری انقلاب چگونه ارزیابی میکنید؟ بنظر شما چه سیاستی باید در قبال دولت موقت و اقدامات آن در زمینه‌های گوناگون اتخاذ شود؟ دوگانگی قدرت باید بسود چه نیروئی پایان یابد؟

ج- در کشور ما یک انقلاب بزرگ خلقی، که محتوای آن ضد امپریالیستی (ملی) و دموکراتیک است، با شرکت تمام طبقات و اقشار مردم بوقوع پیوسته و مرحله اول آن، که عبارت از سرنگون ساختن رژیم وابسته، جابر و فاسد پهلوی است، بانجام رسیده است. تردیدی نیست که در پیروزی این انقلاب امام خمینی نقش رهبری قاطع و بیمانندی را ایفا نموده است و بهمین جهت مورد احترام و تجلیل همه نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه ایران و از آن جمله حزب توده ایران است. ولی با وجود آنکه سد اساسی راه انقلاب، یعنی رژیم دیکتاتوری محمدرضا پهلوی از میان برداشته شده است، هنوز وظایف مهم انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک حل نشده باقی مانده و باید با تمام قوا کوشید تا نه تنها دستاوردهای انقلاب حفظ شود، بلکه وظایف اساسی ساختمان جامعه نوین ایران انجام شود و هدفهای ملی و دموکراتیک خلق ایران به بهترین وجهی تحقق یابد. در این مرحله نیز امام خمینی، بر اساس حیثیت بزرگ سیاسی و اعتبار عظیم معنوی خود، میتواند نقش بسیار ارزنده در سرکردگی نیروهای ملی و دموکراتیک ایفا نماید.

اکنون دشمنان انقلاب، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، دوران سراسیمگی و هزیمت را پایان داده و با تمام قوا برای بازگرداندن اوضاع سیاسی و اجتماعی به دوران گذشته (حتی به لباس و پوشش دیگری) متحد و متشکل میشوند. بدیهی است خطر عمده‌ای که هم اکنون انقلاب خلق را تهدید میکند، از ناحیه امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و عمال ایرانی آن، یعنی همه آن عناصر مرتجعین است که با همدستی و همکاری نزدیک با رژیم پهلوی، نه تنها کشور ما را وابسته به منافع امپریالیستها نمودند و در تحکیم پایه‌های رژیم اختناق و ترور پهلوی کوشیدند، بلکه با چپاول اموال دولتی و استثمار توده‌های وسیع خلق، منافع سرشار و مبالغ کلانی به جیب زدند و اکنون تشنه رجعت بهمان اوضاع و احوال غارتگرانه‌اند.

بنا بر این نخستین وظیفه‌ای که در لحظه کنونی در برابر همه نیروهای ملی و دموکراتیک و رهبری انقلاب قرار دارد، عبارت از مبارزه متحد بمنظور سرکوب ضدانقلاب در تمام اشکال و صور آنست. بدیهی است که در زمینه قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و ویران ساختن پایگاههای مختلفه رخنه آن در شئون مختلفه حیات جامعه ما، مقام اول را در مجموع، مبارزه علیه ضد انقلاب احراز میکند.

اظهارات قاطع، اقدامات بیکر و دلالتهای سودمند امام خمینی بروشنی تمام نشان میدهد که امام مصمم است در زمینه این نبرد برای قطع نفوذ امپریالیسم و ویران سازی راههای رسوخ آن، بی‌تزلزل قدم بردارد و نیروهای خلق را در این راه رهبری نماید. بهمین سبب حزب توده ایران وظیفه میهنی و ملی خود میدانند که در این نبرد حیاتی علیه امپریالیسم، با تمام قوا از مواضع ضد امپریالیستی آشتی ناپذیر امام خمینی و رهبری انقلاب پشتیبانی نماید. بنظر من سیاستی که رهبری حزب ما در این مورد، بر اساس اولویت مبارزه علیه امپریالیسم و ضد انقلاب اتخاذ نموده، در مجموع خود منطقی و درست است.

دولت موقت، ارگان اجراء سیاست رهبری انقلاب در مقامیاس دولتی است و لذا باید بطور کلی در پیوند با مجموع رهبری انقلاب مورد توجه قرار گیرد، ولی چون ترکیب آن از لحاظ طبقاتی با دیگر ارگانهای انقلاب متفاوت است، ناگزیر عملاً تفاوتی نیز در نحوه اجراء سیاست و خط مشی آن بروز میکند، که گاه بصورت اختلاف جلوه گر میشود. بنظر من روش سیاسی حزب بسمینای سیاست کلّی اش در مورد پشتیبانی از مواضع ضد امپریالیستی رهبری انقلاب و اتحاد همه نیروهای انقلابی و در عین حال میمان بیان تذکرات انتقادی درباره انحراف از این خط مشی در موارد مشخص درست است.

بدیهی است که موضع انتقادی مادر مورد انحراف و ناپیکری از این خط مشی، بمعنای مخالفت با دولت موقت نیست. تا هنگامیکه دولت موقت، بمثابه ارگان اجرائی سیاست رهبری انقلاب تلقی میشود، مخالفت با آن به تقویت رهبری انقلاب کمک نمیکند و لذا نقض غرض است. انتقاد بمنظور اصلاح دلالت است و هدف آن برانداختن دولت نیست، در صورتیکه مخالفت در جهت تغییر است، امری که در لحظه کنونی جنبه فرعی دارد و سیاست حزب توده ایران بر آن قرائت گرفته است.

اما نظر باینکه ارگانهای مختلف اجرائی برای تحقق هدفهای انقلاب در کنار هم بوجود آمده‌اند و تا حدود زیادی جدا از یکدیگر عمل میکنند و ناگزیر در شوه اجرای رهنمودها تفاوتی گاه فاحشی بوزمین می‌یابند، یک نوع دوگانگی قدرت پدید آمده، که اگر مدت زیادی ادامه یابد، نه تنها بسود انقلاب نیست، بلکه خطرات احتمالی جدی در بر دارد. هر قدر زودتر این دوگانگی قدرت پایان یابد، وضع برای پیشرفت هدفهای انقلاب مساعدتر میگردد. بدیهی است که این دوگانگی باید بسود یک مرکز قدرت انقلابی منبسط از خلق پایان یابد. بطوریکه معلوم است تصویب و اجرائی قانون اساسی در این جهت است. رهنمودهای امام خمینی در مورد اهمیت حیاتی تسریع در تصویب قانون اساسی هم این نظر را تایید میکند. راجع به این موضوع در شماره بعدی این نشریه در پایان

نامه يك كارگر

بررسی کوتاهی از اوضاع پالایشگاه آبادان

بعد از سرنگونی رژیم مشغور پهلوی، که در آن کارگران صنعت نفت جنوب سهمی بسزا و قطعی داشتند، و پس از اینکه ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران به آقای نژیسپرده شد و همچنین پس از سخنرانی ایشان در محوطه کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان، که برای اولین بار صورت میگرفت، ایشان خاطر نشان نمودند که کلیه تبعیضات و تمذیبات حقوقی در پالایشگاه بصورت همه جانبه ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میگیرد و در کوتاه مدت به همه خواستهای رفاهی و اقتصادی کارگران بسرعت رسیدگی خواهد شد. این نوید، خصوصاً پس از سرنگونی رژیم مشغور پهلوی، طبقه کارگر ایران (خصوصاً کارگران صنایع نفت) را که صادقانه به انقلاب عظیم مردم ایران

بعد از چندین جلسه مشورتی و حقوقی با نمایندگان منتخب کارگاهی در پالایشگاه آبادان، این نگرانی شدت بیشتری یافته، تا آنجا که بتدریج به استغای نمایندگان کارگاهی انجامیده و نمایندگان کارگران دلیل استعفا را اکثر، مسئولیت سنگین و گرفتاریها قلمداد کرده اند.

بعد از وقایع اخیر، جو نارضایی بصورتی افشاده و جمعی در پالایشگاه بظهور رسیده است که این خود، پس از تگاهی کوتاه به جو اخیر ایران و زرد خوردهای مسلحانه و تحریکات ضد انقلاب در اکثر شهرهای ایران مانند، سنج، نقده و اخیراً جریانات خرمشهر، نگرانی زیادی را در کارگران آگاه بوجود آورده است. این روش هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران را چگونه میتوان توصیف و تجزیه و تحلیل نمود.

ایشان در جلسه های مشورتی با نمایندگان منتخب کارگاهی، از خالی بودن خزانه دولت و صبر انقلابی صحبت کرده اند، در حالیکه در مصاحبه ای با آیندگان فرموده اند که «ما ملت مستضعفی نیستیم و دوازده میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم. ایشان در مورد تعدیل حقوق کارگران و کارمندان نیز صحبت کرده و وعده هایی در این مورد داده اند، لیکن این وعده ها تاکنون تنها شامل کارمندان شده است و در مورد کارگران صنعت نفت، بعد از نزدیک به ۵ ماه که از انقلاب پیروزمند مردم قهرمان ایران گذشته هنوز هیچگونه اقدامی در مورد کارگران صورت نگرفته است، که خود جای بسی نگرانی است.

این چگونه رفتار است و چگونه میتوان آنرا توضیح داد؟ خصوصاً اینکه از جانب گروه های چپ رو و چپ نما، اعلامیه هایی تحریک کننده در پالایشگاه آبادان پخش میشود، که باز هم جای بسی نگرانی است. اگر در این جو نامساعد، اعتصابی از طرف کارگران صنعت نفت صورت گرفت و ضد انقلاب با تحریکات گسترده خود شروع به بسط و گسترش این اعتصاب نمود و آنرا همه گیر کرد، تنها و تنها این حرکت بود ارتجاع و امپریالیسم و ضد انقلاب است.

در این صورت، روش کنونی مسئولان را چگونه میتوان توضیح داد؟ هم اکنون در این مورد مزمنه هایی در برخی نقاط پالایشگاه پخش میشود که عمیقاً نگران کننده است. کارگران آگاه و مسئول از مسئولان شرکت ملی نفت ایران، خصوصاً از آقای نژیسپرده و سریمآ خواستارند تا به این سئوالات پاسخ گویند و هر چه زودتر در مورد خواستهای رفاهی کارگران اقدامات عاجل بعمل آورند.

اخبار کارگری

اضافه حقوق کارگران شوکت ارج

در جلساتی که نمایندگان شورا با مدیران داشتند، قرار بر این شد که علی الحساب ماهانه مبلغ ۶۰۰۰ ریال به عنوان اضافه حقوق به کارگران شرکت پرداخت شود تا اینکه ظرف هفته آینده از طرف وزارت کار برای دادن اضافه حقوق دستوری صادر شود. در مورد اضافه حقوق کارمندان هنوز به نتیجه ای نرسیده اند و قرار است که در جلسات بعدی در این باره گفتگو شود.

در کارخانه قرقره زیبا

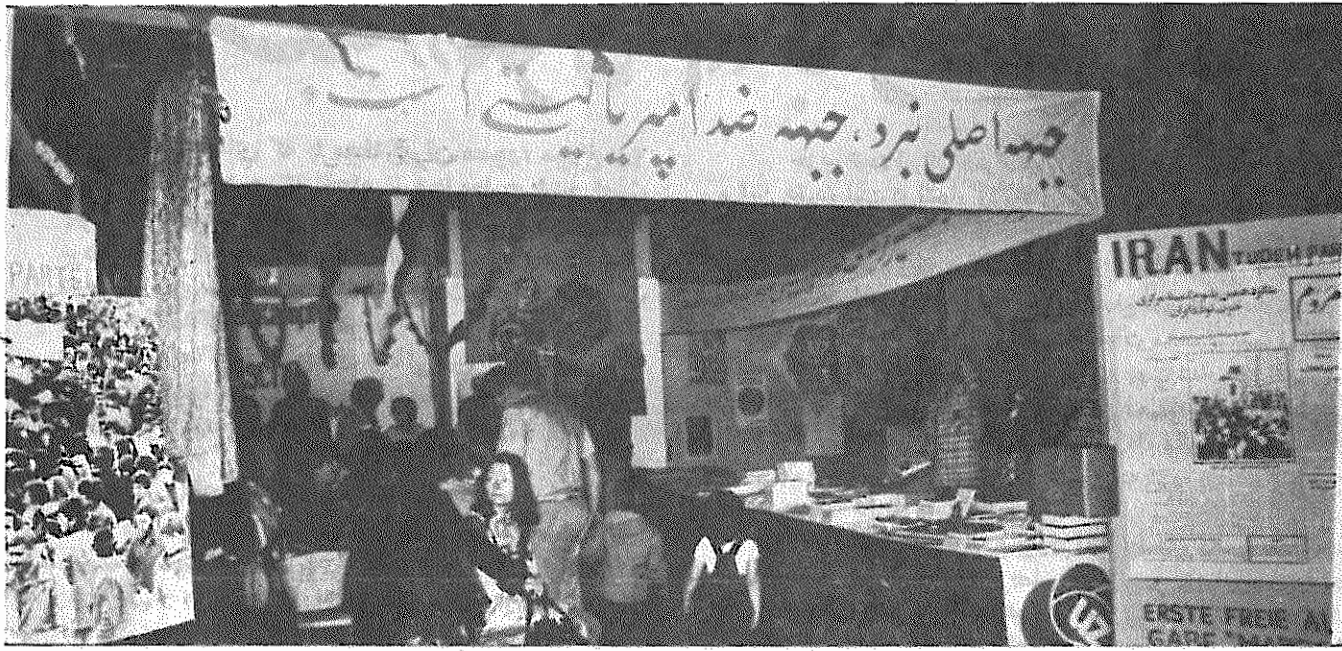
کارخانه قرقره زیبا حدود ۷۰۰ کارگر دارد که تقریباً ۳۰۰ نفر آنها زن هستند. کارگران از نظر رفاهی شدیداً در محقری و حتی انداختن ناهار خوری محرومند آنها دستمزدی کمتر از ۵ تومان میگیرند، در حالیکه کارشان بسیار مشکل است و روزانه هشت ساعت باید سر پا باشند.

تحصن نامحدود و آندگان شوکت کا، تی، تی

راندگان شرکت حمل و نقل کا، تی، تی در کمان، که یکبار بعثت عدم توجه به خواستهایشان بمدت سه روز در محل استانداری تحصن اختیار کرده و سپس در روز ۲۶ خرداد مدت ۲۴ ساعت اعتصاب غذای خشک اعلام نمودند، از روز ۲۷ خرداد دست به تحصن نامحدود زده اند. خواستهای کارگران عبارتست از: پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده - از جاع کسار در صورت واگذار نکردن کامیون تریلرها، - پرداخت کلیه خساراتی که تا کنون متحمل شده اند.

تصحیح

در شماره ۳۲ «مردم» در خبر مربوط به شرکت رفیق تقی کی منش در جشن سالانه روزنامه اوتست، ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان، متأسفانه اشتباهات چاپی زیر رخ داده است که بدینوسیله تصحیح می شود: در سطر سوم بجای شهر «وین»، شهر «اسن» و در سطر های ۲۲ و ۲۵ بجای «نمونه»، «غرفه» صحیح می باشد.



غرفه «مردم» در جشن روزنامه «اوتست» ارگان حزب کمونیست آلمان

و نگرانی خود را در باره آینده این کشور و مشکلاتی که هم اکنون با آن روبرو است، اینک فقط میتوانم با کمک به روزنامه «مردم» ابراز دارم.

رفیق آلمانی همراه این کارت، صد مارك آلمان فدرال نیز همراه کرده است. از این پیوند انترناسیونالیستی خوشحالیم و از کمک رفیق آلمانی صمیمانه سپاسگزار.

تصویر نامه رفیق آلمانی همراه با پاکت آن، که روی آن بخط خودش نوشته شده «مردم»، بر روی تصویر نخستین شماره دوره علنی «مردم».

در جریان جشن «اوتست»، یک رفیق آلمانی کارتی به «مردم» نوشته است که ترجمه آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد: «سالها پیش، یک رفیق ایرانی آخرین آثار نفوذ افکار مائوئیستی را در زمینه تردیدهایی که من نسبت به سیاست اتحاد شوروی داشتم، از من زدود. و این را امکان داد که من عضویت اتحادیه دانشجویان مارکسیست (اسپارتاکوس) در آیم. بعدها یک رفیق عضو حزب توده ایران اهمیت حزب طبقه کارگر را برای من روشن ساخت. و این، امکان داد که من عضویت حزب کمونیست آلمان در آیم. با حفظ پیوند نزدیک خود با مردم ایران، شادی خود را از تکامل سیاسی سال اخیر در ایران

سیاست امپریالیستی ...

یا گروه اقدامات تبه کارانه پل پت یا یک سری در کامیوج، آب در آسیاب تبلیغات امپریالیستی علیه مارکسیسم می ریزد. در حالیکه چهره هایی مانند لین و جانتشینان و شاگردان و فادارش از نوع هوشی مینها و فیدل کاستروها، باعث اعتبار اندیشه انقلابی و رسوائی دشمنان آن می گردد. ما اکنون در ایران با هر دو نوع مارکسیسم، «مارکسیسم» ساختگی امپریالیسم و «مارکسیسم» خام و کود گانه، که نام مارکسیسم را یکجا عامدانه و یکجا نه معصومانه، مبتذل می کند، روبرو هستیم. در مورد «مارکسیسم»

بی رحمانه، بی نرزش، دشمن واقعیت، دور از زندگی، دور از اخلاق، جلوه گر می سازند. نه فقط امپریالیسم خود، بدست عمال رخنه گر خود، که بدروغ و ریا، ماسک انقلابی بر چهره میزند، در جهت بی اعتبار ساختن مارکسیسم می کوشد، بلکه ماهرانه از خامی و بی تجربگی و احساسات متعصبانه ملی و شورهای نارس دیگر مارکسیست - لنینیست های صدیق استفاده می کند و می گوید: «اینهم آن مارکسیسم - لنینیسم که فرمودید!» نمونه هایی مانند «گارد سرخ» و «انقلاب فرهنگی» در چین،

بقیه از صفحه ۱

مارکسیسم فرمودید؟ کدام مارکسیسم؟ مارکسیسم ترسکی؟ مارکسیسم ماو؟ مارکسیسم انور خوجه؟ و غیره. مارکسیست - لنینیست های ساختگی یا منحرف با اقدامات خود، خواه این اقدامات عامدانه و طبق نقشه دشمن باشد، خواه این اقدامات از روی مصومیت و بعثت خامی و درک غلط و نارسا از مارکسیسم، عملاً «مارکسیسم - لنینیسم» را بعنوان یک نظریه علمی و انسان دوستانه، بعنوان یک نظریه طرفدار خلق، هوادار دموکراسی، بعنوان پرچم ظفر مند اندیشه ای پر لرتاریا، لکه دار می کنند و آنرا خشکمنزانه، متعصبانه،

قذافی گفت ...

و مبارزه با امپریالیسم هم عقیده ایم. پرسش - با امپریالیسم شوروی هم همینطور؟ پاسخ - ارزیابی ما، که بر اساس روش آنها نسبت به ما قرار دارد، اینست که آنها هم در حال مبارزه با امپریالیسم اند. پرسش - اختلافات شما با سیاست خارجی شوروی در کجاست؟ پاسخ - چون ما اتحاد شوروی را دوست خود میدانیم، نیازی به طرح اختلافات نیست. پرسش - چه عاملی باعث شد که شما تهدید کنید که به پیمان ورشو خواهید پیوست و بقیه دنیا برایتان بی ارزش است؟ پاسخ - وقتی آمریکا منافع ما را مورد تهدید قرار میدهد و ما را از راه کمپدیوید و خیانت به خلق فلسطین و عدم تحویل هواپیمای خریداری شده، بخطر می اندازد، برای ما راه دیگری، جز آنچه گفتیم، باقی نمی ماند. ما هنوز هم می توانیم اینکار را بکنیم. از زمانی که من پیشنهاد پیوستن به پیمان ورشو را کرده ام، تحریکات علیه ما بوسیله موافقتنامه واشنگتن بین کاتر، بگین و سادات افزایش یافته است. شما بقای ما را بخطر انداخته اید. کسانی هستند که رسماً پیشنهاد

برای گولاگ ها ایشان؟ پاسخ - گولاگ ها چی هستند؟ خبر نگار: گولاگ ها اردوگاه های کار برای ناراضیان سیاسی اند. قذافی، شورویها نژاد پرست نیستند. من در این باره صحبت میکنم. پرسش - آیا هدفهای سیاست خارجی دولت شما بطور دائم التزایدی با سیاست خارجی اتحاد شوروی تطابق پیدا نمیکند؟ پاسخ - اتحاد شوروی برای لیبی صرفاً یک دوست است. و مناسبات ما بر اساس دوستی نزدیک و تفاهم متقابل قرار دارد. ما تصمیم داریم برای همیشه غیرمتعهد باقی بمانیم. ما با اتحاد شوروی در زمینه مسائل معینی در سیاست خارجی توافق داریم، اما هر کدام مشکلات گوناگون داخلی خودمان را داریم و در مورد راه حل آنها هم عقیده نیستیم. ولی مثلاً ما هر دو معتقدیم که مدیترانه باید از نیروی دریائی کشورهای بیگانه، از جمله دو ابر قدرت، پاک شود. و ما هر دو در زمینه تشنج زدائی، بحثا به وسیله ای برای استقرار همزیستی مسالمت آمیز، که همه کشورهای را در بر بگیرد، توافق داریم. همچنین در مورد مسائل مربوط به امنیت اروپا

بقیه از صفحه ۱

اینکار را اینام هستکی سوسیالیستی میکنند. آیا این با سیاست عدم تعهد مطابقت دارد؟ پاسخ - ماهیچیک از سلاحهای خودمان را در خارج از لیبی بکار نمیبریم. قذافی در پاسخ سئوالی میگوید: سیاسی لیبی ها را در آمریکا کشته است هر خارجی در آمریکا که از نظر سیا با هوش و یک خطر بالقوه باشد، از بین برده میشود. خبر نگار هنوز بزرگ میپرسد: آیا واقعا با این امر معتقدید؟ آری، معتقدم. از نظر اجتماعی، آمریکا نه در قرون وسطی، بلکه در قبل از قرون وسطی بسر میبرد. ولی چون شما ابر قدرتید، هیچکس جرأت نمیکند شما را از سازمان ملل متحد اخراج کند و به دادگاه بسپارد، جایی که شایسته شماست. این حقیقت محض است. اگر کارهایی را که آمریکا میکند، یک کشور کوچک انجام میداد، از سازمان ملل اخراج میشد، نامش در لیست سیاه قرار میگرفت و از طرف همه کشورهای تحریم میگردد. ولی چون اینکارها را یک ابر قدرت میکند، شما مصونیت دارید. پرسش - آیا این موضوع در مورد شوروی هم صدق میکند؟ مثلاً

ساختگی امپریالیستی عرضی نداریم. تکلیف روشن است. اما در مورد مارکسیسم چپ گرایانه برخی انقلابیون صدیق، همیشه حاضر به گفتگوی برادرانه هستیم و آرزو مندیم که بین ما و آنها زبان مشترک و شوهه مشترک یافت شود. وقت آنست که اندیشه والا، طبقاتی، انسانی، علمی انقلابی - انتقادی مارکسیسم لنینیسم با تمام جلوه واقعی خویش در میهن ما تجلی کند و جان بخشی، واقع گرائی، نرزش علمی و استواری اصولی خود را در تیر روزمره آشکار سازد. از همه رفق و یاران حزب می خواهیم که این مطالب را خود با دقت مورد بررسی قرار دهند و در تلاش معنوی - تبلیغی خود آنها را برای دیگران روشن سازند.

میکند که دولتهای مترقی عرب به پیمان ورشو ملحق شوند و موشک های هسته ای در افریقای شمالی و شبه جزیره عربستان مستقر گردد تا بتوان با سیاست خصمانه آمریکا علیه ملت عرب مقابله کرد، هر چند که ما مخالف پیمانها و اتحادهای نظامی و سلاحهای هسته ای هستیم. پرسش - گروهی از رهبران کشورهای اروپا، افریقا، خاور میانه و جنوب خاوری آسیا، استراتژی بزرگ شوروی را برای کنترل نقاط حساس، از جمله تنگه هرمز، باب المندب، دادانل و تنگه جبل الطارق پیش می بینند. بعقیده آنها هدف از برانگیختن جنگ و انقلاب در جهان سوم بدست آوردن و کنترل معینی بر نفت خلیج فارس و معادن افریقای جنوبی است تا بدینوسیله اروپای غربی خنثی شود. کوبا، اتیوپی و یمن جنوبی در سطح استراتژیک با اتحاد شوروی همکاری میکنند. آیا لیبی هم در این همکاری شریک است؟ پاسخ - ما معتقد نیستیم که شوروی در فکر تسلط است. بعقیده ما این کشورها پس از وقوع انقلاب خواهان کمک از شوروی و کوبا میشوند و آنها نیز این خواست را بر آورده میسازند، همانطور که ما میکنیم. اتحاد شوروی به خواست برای دفاع از انقلابهای پیروزمند پاسخ مثبت میدهد.

تجاوزات گستاخانه اسرائیل ادامه دارد

خبرگزاری فلسطینی وفا ضمن صدور اعلامیه‌ای رسمی، اعلام داشت که دفاع ضد هوایی نیروهای مشترک فلسطین و ترقیخواه صبح روز چهارشنبه دوفروند هواپیمای نظامی اسرائیل را در جنوب لبنان سرنگون کردند.

اعلامیه صراحت داشت که این دو هواپیما در لفظه‌ای سرنگون شدند که شهر صیدون و اردوگاه پناهندگان فلسطینی را در عین حلقو، واقع در شرق صیدون بمباران می‌کردند. در اعلامیه همچنین تصریح شده بود که چند لحظه بعد نیز گروهی دیگر از هواپیماهای اسرائیلی سه ناحیه را در شمال شهر صور بمباران کردند.

خبرگزاری وفا هیچگونه اشاره‌ای به دستگیری دو خلبان این هواپیماها از طرف فلسطینی‌ها نکرد «با اینحال منابع فلسطینی اعلام کردند که نیروهای فلسطینی و ترقیخواه یک خلبان و یک کمک خلبان اسرائیلی را دستگیر کردند.

اجلاس سازمان همکاری اقتصادی در مسکو

آلکسی کسپکین، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، که ریاست هیئت این کشور را در اجلاس سه روزه شورای همکاری اقتصادی بر عهده دارد، روز سه‌شنبه، سی‌امین اجلاس سران کشورهای عضو این سازمان را، که هیئت‌هایی از کشورهای جهان سوم نیز به عنوان ناظر در آن حضور داشتند، افتتاح کرد.

نخست وزیر شوروی اعلام کرد که اجلاس کنونی نباید هدف بر نامه‌های درآمدت همکاری را در تولید صنایع کثیر مصرف، توسعه حمل و نقل، جمع‌بندی نتایج اجرای برنامه پنج‌ساله، ارزیابی جریان کار اجراء و تلفیق برنامه‌های اقتصادی برای دوره پنج‌ساله برنامه آینده، مورد بررسی و تأیید قرار دهد.

کسپکین سپس درباره ضرورت همکاری کشورهای عضو سازمان در زمینه گسترش صنایع ماشین‌سازی، تولید و مصرف سوخت، انرژی و مواد خام تأکید ورزید.

نخست وزیر شوروی از اینکه ویتنام و سوسیالیستی بعنوان عضو جدید به شورای همکاری اقتصادی پیوسته است ابراز خرسندی کرد و گفت «وظیفه مشترک اترانسینو نالیستی، ایجاب می‌کند که همه گونه کمک در اختیار مردم قهرمان ویتنام قرار دهیم».

کنفرانس توکیو، ترکیبی از منافع متضاد

خبرگزاری فرانسه در گزارش تفسیر گونه خود درباره کنفرانس سران در توکیو از «اختلاف نظرهای عمیق» سخن به میان آورد و اعلام کرد: «هفت کشور بزرگ غربی باید در جلسات روزهای پنجشنبه و جمعه خود به رفع اختلاف نظرهای عمیق خود کوشند و در برابر مساله انرژی استراتژی مشترکی برگزینند».

هدف اساسی کنفرانس کشورهای بزرگ، یعنی امریکا، ژاپن، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کانادا، پس از اجتماع کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) در ژنو، این است که برنامه‌های برای محدودیت واردات نفت خام خود تهیه کنند. لکن امریکا، کانادا و ژاپن اعلام کردند:

«به موضع کشورهای اروپا نخواهند پیوست و تثبیت واردات نفتی خود را برای سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۵ در سطح سال ۱۹۷۸ نخواهند پذیرفت».

این سه کشور موضع خود را چنین توجیه کردند که تثبیت هدفهای کلی ناممکن است و هر کشوری در تمهیدات خود باید وضع خاص خودش را مورد توجه قرار دهد. آنها همچنین اعلام کردند که اقدام اروپا در زمینه پیشهاد محدودیت واردات نفت برای خودش صحیح بوده است، چونکه خواهد توانست از افزایش تولید نفت دریای شمال استفاده کند. لکن ژاپن از لحاظ تمام نفت مورد نیاز خود به خارج نیازمند است و کانادا نیز ذخایرش در شرق خشکین است.

واکنش ژسکار دستن در برابر سیاست امریکا در مورد انرژی یعدی تند بود که موجب بر آشفستگی کارتر شده، رئیس جمهوری فرانسه در مصاحبه‌ای با نیوزویک از سیاست کارتر در زمینه انرژی سخت انتقاد کرد و گفت: «وی بخلاف آنچه ادعا می‌کند سیاست صرفه‌جویی ندارد». یک مقام عالی رتبه امریکایی در توکیو گفت: «سخنان پر زیدنت والرئیسکار دستن نه خلاق بوده است و نه مفید و از طرف زمامداران امریکا بنظر مساعد تلقی نشده است».

از طرف دیگر چینی کارتر رئیس جمهوری امریکا و ماساچوستی اوهر، نخست وزیر ژاپن در ضمن گفتگوهای خود در توکیو، مخالفت خود را با پیشهاد رؤسای کشورهای غربی درباره تثبیت واردات نفت برای پنج سال دیگر ابراز داشتند.

رژیم دست‌نشانده رودزیا به تجاوزات خود ادامه می‌دهد.

به گزارش رویتر از لوزاکا، نیروهای رودزیا با هلیکوپتر به خاک زامبیا حمله کردند و هدفهای خود را در شرق لوزاکا از میان بردند. کنت کائوندا رئیس جمهوری زامبیا، در پی این حمله، در بسیاری از شهرها مقررات منع عبور و مرور بدت چهار هفته برقرار کرد.

سختگوی دولت زامبیا اعلام کرد که بر اثر حمله هواپیماها و هلیکوپترهای رودزیا دست کم بیست نفر بقتل رسیدند و سی نفر زخمی شدند. منابع اتحادیه خلق افریقایی زیمبابوه که خواستار سرنگونی رژیم دست‌نشانده استقامت رودزیا هستند اعلام کردند که هدف این حملات، شمال شرقی لوزاکا بوده است.



تحریرات چین علیه ویتنام ادامه دارد

به گزارش خبرگزاری رویتر، دولت ویتنام اعلام کرد که چین دست‌اندرکار تحریرات نظامی در طول مرزهای دریایی و هوایی دو کشور است تا اوضاع مرزی را متشنج کند.

خبرگزاری ویتنام اعلام کرد که سر بازان چینی با شلیک دو دست خمپاره و موشک به نواحی مرزی، واقع در ایالت شمالی های‌وین یک غیر نظامی را بقتل رساندند و یک نفر دیگر را نیز زخمی کردند.

به گزارش همین خبرگزاری، قایق‌های تویسدار چینی نیز اخیراً به آب‌های ویتنام حمله کردند و در خلال دو هفته بیست مورد حادثه مرزی بوجود آوردند.

پرواز یو ۲ و صد و پنجاه میلیون دلار

کنگره امریکا هفته گذشته رأی بر قطع کمک پنجاه میلیون دلاری به ترکیه داد. ژنرال اورن رئیس ستاد ارتش ترکیه، که در بازگشت از امریکا در فرودگاه ترکیه با خبرنگاران گفت‌وگو می‌کرد گفت، این اقدام کنگره به امتناع ترکیه از دادن اجازه پرواز هواپیماهای جاسوسی یو ۲ امریکا بر فراز خاک ترکیه ارتباط دارد.

رئیس ستاد ارتش ترکیه سپس تأکید ورزید که اگر امریکا صد و پنجاه میلیون دلار هم می‌داد، دولت ترکیه اجازه پرواز این هواپیماهای تجسسی را بر فراز خاک ترکیه نمی‌داد.

وزیر اقتصاد آلمان فدرال از جنک برای نفت سخن می‌گوید

لامز دورف، وزیر اقتصاد جمهوری فدرال آلمان، در مصاحبه‌ای با روزنامه انگلیسی زبان عرب نیوز، چاپ عربستان سعودی، ضمن تصریح این مطلب که کاهش تولید نفت ایران، از قدرت عربستان سعودی در تثبیت قیمت نازل برای نفت کاسته است، اعلام کرد که اختلال جریان تأمین نفت در جهان، احتمالاً در خلال پنج سال آینده باعث بروز جنک میان مصرف کنندگان و تولید کنندگان خواهد شد!

اعتصاب کارگران سازمان آب و برق بندرانزلی

روز شنبه ۵۸/۳/۱۹ کارگران سازمان آب و برق بندر انزلی برای دومین بار جهت احقاق حقوق صنفی خود دست از کار کشیدند.

کارگران عمده‌ترین خواسته‌های خود را چنین بیان کرده‌اند، ۱- برکناری اکبری‌هماون امور مالی و اصلان نیمیمی معاون امور رفاهی، که از کارکنان اعتصابات کارگران در رژیم سرنگون شده پهلوی بودند و اکنون نیز که در بی‌مبارزات قهرمانانه خلق دلیر و زحمتکش وطنمان برهبری قاطع امام خمینی، بساط فتنگی شاه مخلوع برچیده شده و به پایگاه‌های امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکای ضربات سهمگینی وارد آمده است، اینان چهره عوض کرده و به کارگران

روز شنبه ۵۸/۳/۱۹ کارگران سازمان آب و برق بندر انزلی برای دومین بار جهت احقاق حقوق صنفی خود دست از کار کشیدند. کارگران متذکر میشوند که طی این مدت خواستهای خود را چندین بار با مسولین امر و همچنین آقای فرماندار و استاندار هم‌چنان در میان گذاشته‌اند، ولی متأسفانه هیچگونه تریب‌انژی در جهت رسیدگی به خواسته‌های آنان داده نشده است.

بنابراین گفته یکی از کارگران، آقای حجازیان مدیر عامل سازمان آب و برق در مقابل خواستهای کارگران آنها را تهدید به تعطیل اداره سازمان آب و برق نیز کرده است.

زمینه سازی برای تحریک کارگران در مجتمع فولاد اهواز

روسای شرکت پیمانکاری «مانا»، وابسته به مجتمع فولاد اهواز، که منافع کلان خود را بر باد رفته می‌بینند، از هیچ اقدامی برای آنکه کارگران را رود روی مدیریت مجتمع قرار دهند و سایر عادی کار را کنند، روگردان نیستند. کسانی که تا دیروز قوانین ظالمانه ضد کارگری را علیه کارگران و زحمتکشان بکار می‌بردند، امروز خود پشت‌صفوف آنها پنهان میشوند و از زمینه مساعدی که مدیریت مجتمع ایجاد میکند، نهایت بهره برداری را میکنند. گاه این دو عامل (یعنی تحریک محیط کار از سوی مدیریت مجتمع و بهره برداری ماهرانه از سوی رؤسای شرکت پیمانکار) چنان با هم آمیخته میشوند، که انسان را بقدرت و امیدارد. چندی پیش فشار زیادی برای ۹ ساعت کار روزانه بکارگران وارد آمد که با مقاومت آنان روبرو شد و سرانجام ۲۶ خرداد، مدیریت مجتمع طی اطلاعیه‌ای بازگشت بهمان هشت ساعت کار روزانه را اعلام نمود.

دشمنان واقعی انقلاب را نباید از مردم پنهان کرد

بقیه از صفحه ۱

« اردوگاههای شرق » بکشاند و بازپرور کردن واقعیت‌ها ذهن خواننده و شنونده را مشوب کنند. ایشان اینطور افاده مطلب می‌فرمایند:

« آنها هم که اردوگاههای شرق برایشان الکو و سمبل است، یک نمونه از این کشورها شوروی و چین تا آلبانی و کوبا بیاورند، که حداقل یک بار به مردم برای رای گیری مراجعه کرده باشند، چه در شیوه حکومت، چه در قانون اساسی. بنا بر این در کشورهای سوسیالیستی چیزی که مطرح نیست، مردم است.»

بدرستی نمیتوان گفت هنگامی که آقای طباطبائی برای اثبات یک مطلب درست و مورد تأیید اکثریت قاطع مردم در مورد چگونگی تصویب قانون اساسی، مخصوصاً توجه به « اردوگاههای شرق » فرموده و تصویری بکلی مغایر با واقعیت، آنها را لحنی که زینده یک مقام رسمی نیست، ترسیم کرده‌اند، تحت تأثیر چه عامل درونی قرار داشته‌اند؟

بنا بر این شاید بی‌مناسبت نباشد که بمنظور رفع سوء تفاهم ایشان، توضیح دهیم که درست برخلاف آنچه ایشان بیان کرده‌اند، در کشورهای سوسیالیستی «مردم» همه چیزند، احترامی که این کشورها در بین توده‌های مردم جهان دارند، درست بهمین خاطر است که در آنجا توده‌های مردم‌اند که حکومت میکنند. چون اینها سخن بر سر قانون اساسی است، بی‌فایده نیست ایشان را باین واقعیت توجه دهیم که، بهنگام تدوین قانون اساسی مثلاً در اتحاد شوروی این قانون مدت شش ماه تمام در کلیه مطبوعات اتحاد شوروی مطرح بود. دهها هزار نامه و پیشهاد از طرف سازمانها و افراد بشورای عالی اتحاد جماهیر شوروی رسید. این نامه‌ها طبقه بندی شد و صدها پیشهاد درست و مناسب در طرح قانون اساسی وارد گردید. این طرح بعداً در شورای عالی که از جانب مردم انتخاب شده است، به تصویب رسید. زیرا در شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، اصل و اساس توده‌های مردم و نظر توده‌های مردم و سازمانهای توده‌ای و مردمی است.

باز با کمال تأسف، اگر این تنها موردی بود که ما را در برابر نحوه برخورد آقای طباطبائی، معاون وزارت کشور، با کشورهای سوسیالیستی قرار میداد یحتمل میشد آنرا حمل بر اشتباه و یا نتیجه بی‌اطلاعی دانست، که البته در مورد یک چنین مقامی غیر عادی است. اما اظهارات ایشان به خبرنگار سیمای جمهوری اسلامی ایران و نسبتهای عجیب و بکلی عاری از واقعیت و تحریک آمیزی که به کشورهای سوسیالیستی و خاصه اتحاد شوروی داده‌اند، ایشان را به مثابه کسی که با یک پیشداوری ناسالم، به مسائل عمده مربوط به سر نوشت انقلاب مردم ایران برخورد میکنند، جلوه گر میسازد.

روزنامه بامداد، مورخ چهارشنبه ۳۰ خرداد، درباره حوادث بلوچستان چنین می‌نویسد:

« دکتر صادق طباطبائی دیشب در یک مصاحبه با خبرنگار سیمای جمهوری اسلامی درباره تحریکات و تشنج در مرزهای ایران، تأکید کرد که این تحریکات جدی است. وی افزود که امپریالیستهای

شرق و غرب از انقلاب ایران بوحشت افتاده‌اند.. شوروی که از مدتها قبل هدف راه‌یابی به آب‌های آزاد را پیگیری میکرد، در نظر دارد از طریق افغانستان با ایجاد تحریکات و آشوب در بلوچستان، که نمی‌گویم بصورت مستقیم انجام می‌گیرد، بلکه بوسیله عواملی که در اختیار دارند، قصد اجرای چنین نقشه‌ای را در سر می‌پیروانند تا بتوانند از راه بلوچستان به آب‌های آزاد راه پیدا کنند. این امکان وجود دارد که ما از طریق مرزهای خود در آذربایجان نیز دچار چنین تحریکات و تشنجاتی بشویم...»

آقای معاون وزارت کشور آیا به آنچه بدینگونه بی‌بند و بار و بی‌مسئولیت بزبان آورده‌اید، حتی شخص خودتان هم باور دارید؟ شما نمیدانید که در بلوچستان این عوامل سیا و موساد و ساواک هستند که میکوشند ناراضی را با عناوین گوناگون در بین مردم توسعه بدهند؛ شما نمیدانید که از اعمال ساواک گرفته تا مزدوران سیا و همه کارگزاران امپریالیزم، تمام امکانات خود را بکار انداخته‌اند تا در هر نقطه ایران بلوایی برپا کنند؛ شما بعنوان معاون وزارت کشور نمیدانید که اتحاد شوروی یکی از نخستین کشورهایی بود که با آفوش باز جمهوری اسلامی ایران را برسمیت شناخت؛ شما نمیدانید که اتحاد شوروی در امور داخلی ایران دخالت نکرده است و نمیکند؟

گذشته از این، وقتی شما، آقای معاون وزارت کشور در کلیات سخن از «امپریالیست‌ها» می‌گویند که علیه ایران توطئه میکنند (سخنی که بخودی خود کاملاً درست است) و بلافاصله از اتحاد شوروی تصویر یک دولت امپریالیستی را میکشید، وقتی شما از حوادث احتمالی آذربایجان سخن می‌گویند و میکوشید آنرا برای اتحاد شوروی بگذارید، در حالی که اینک دیگر حتی کودکان بدستانی میدانند که در پشت سر حوادث آذربایجان، مانند حوادث کردستان و خوزستان و بلوچستان و غیره، امپریالیزم، بسرکردگی امپریالیزم آمریکای کمین کرده و توطئه‌های آنجا نتیجه مستقیم دخالت عوامل آمریکاست، آنوقت انسان بخود حق میدهد که این سؤال را چنین مطرح کند که، آیا سعی نمیشود دشمنان واقعی ایران، یعنی امپریالیزم، بسرکردگی امپریالیزم آمریکا، و بازماندگان رژیم پهلوی، در پشت پرده دودی از دروغ از انظار پنهان بمانند؟

آقای معاون وزارت کشور! این اتهامات ناروای شما یعدی دور از انصاف و یعدی مغایر با مسولیت مقام شما است که شخص آرزو میکند یحتمل این گفته‌های تحریک آمیز را از قول شما چهل کرده باشند و شما انتصاب آنرا بخودتان تکذیب کنید!

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- رفیق فرهنگ از قائم شهر ۲۰۰ ریال
- رفیق کارگر نوریان از قائم شهر ۲۰۰
- پویا (کودک) ۹۰۰۰
- گروه شعبانی ۷۵۰۰
- نوید ۱۰۰۰۰
- خانواده زویا ۲۰۰۰

«یا ایها الرسول، بلغ...»

از رسول رنج به امام خلق

دارمت پیام
ای امام
که زبان خاکیانم و رسول رنج
به توام درود،
به توام سلام!

آمدی، خوشامدی
پیش پای تست ای خجسته‌یی که خلق
میکنند قیام.

با تو دست میدهند
با تو گام می‌نهند
با تو راه حق بروی خویش باز میکنند
با تو قبله را نماز میکنند
با تو می‌برند روز پرتیزه را بشام.

برده‌اند
خان ومانان بباد داده‌اند، کشته‌اند
حق ما بگیر
داد ما برس
تیغ برکشیده را مکن بخیره در نیام.

حالیا که می‌رود سمند دولتت، بران
حالیا که تیغ تشنه تو می‌برد، بز
بخت یار و خیر پیش
قدرت تو باد پر دوام.

با تو در کنار تو
می‌نهم به پیش پای گم‌رهان چراغ
میکنم سپاه خشم را بسیج
ارتشی ز واژه‌های زنده می‌کنم بصف
گر تو یاری‌ام دهی
کار را
میکنم تمام.

وای اگر که غفلتی
غفلتی و انهدام ملتی
نه، نیاید آنکه دشمنان خلق را
باز بنگریم شاد کام.

زاد و رود رنج
خانوار کار
افتخار نامه، نامنامه‌ای نداشته‌ست
— آنچنان که داشتند پیش ازین ستمگران—
لیکن از پس زمان ما، بیادگار
داشت خواهد از تو
هم نگاهداشت خواهد از تو، نام.
.....

فرهاد ره‌آورد - تیرماه ۱۳۵۸

بمناسبت چهارمین سالگرد اعتصاب خونین
کارگران نساجی قائمشهر

درود بر کارگران مبارز نساجی قائمشهر! گرامی باد خاطره کارگران شهید!

چهار سال پیش، در روزهای ۷ و ۸ تیرماه،
کارگران مبارز نساجی قائمشهر (شاهی)،
علیرغم ترور و خفقان شدید، پا به عرصه نبرد
قهرمانانه علیه رژیم ضدکارگری شاه مخلوع
گذاشتند تا صدای حق طلبانه خود را به گوش
مردم ایران و جهان برسانند و سیاست عمیقاً ضد
کارگری رژیم را افشاء کنند.

سال ۱۳۵۴، کارگران نساجی قائمشهر
برای افزایش سود ویژه دست با اعتصاب زدند.
کارگران علاوه بر اعتراض به نحوه تقسیم‌سود،
به «انتخاب» نماینده دروغین کارگران به
نماینده‌گی مجلس شورا نیز معترض بودند. ابتدا
رئیس کارخانه کوشی کرد کارگران را با مواعید
تو خالی از ادامه اعتصاب منصرف سازد، ولی
کارگران قریب او را نخوردند و با اعتصاب ادامه
دادند. ابتکار اعتصاب با کارگران بافته بود
که دستگاهها را خوابانند و بطور جمعی در
کارخانه بحرکت درآمدند و دستگاههای مستقر
در بخشهای دیگر کارخانه را نیز از کار انداختند.
کارگران مانند سایر روزها به کارخانه نمی‌آمدند،
اما کار نمی‌کردند و به نوبت اعتصاب را تحویل
شیفت‌های بعدی میدادند. بعد از ظهر روز دوم
پلیس وارد عمل شد و از ورود کارگران شیفت
۲ بداخل کارخانه ممانعت بعمل آورد. ولی
کارگران مأموران پلیس را بکنار انداختند و
وارد کارخانه شدند. پلیس با یساتون بجان
کارگران افتاد و آنان را تا راه آهن داخلتی
کارخانه راند و شدیداً مضروب نمود. کارگران
که به اوج خشم و عصیان رسیده بودند، با سنگهای
داخل ریل بجان مأموران پلیس افتادند. یادگان
زندان امری شیرگاه افراد کمی به کارخانه
فرستاد. پلیس و زاندا امری کارگران را از
کارخانه بیرون راندند و در کارخانه را
بستند. اما نبرد در خارج از محوطه کارخانه
میان کارگران و نیروهای نظامی ادامه یافت.
پلیس بروی کارگران آتش گشود. چند تن از
کارگران مورد اصابت گلوله قرار گرفتند.
کارگران پاسخ گلوله‌ها را با پرتاب سنگ
میدادند. ساعت ۱۱ شب، ماشین آب پاش برای
متفرق کردن کارگران به محل آمد. تماشاچیان
ماشین را با پرتاب سنگ، متوقف ساختند،
راننده‌اش را مجبور به تسلیم کردند و ماشین را
به آتش کشیدند.

نظامیان خشمگین و هار بجان کارگران و
جمعیت تماشاچی افتادند. باردیگر بروی مردم

آتش گشوده شد، چند نفر مجروح و یک نفر مقتول
شد. مجموعاً در جریان تیراندازی مردم، ۴ کارگر
کشته و عده زیادی زخمی شدند. سرانجام در ساعت
۳ بامداد نظامی‌ها توانستند با شلیک گلوله و
پرتاب گاز اشک‌آور مردم را متفرق و عده زیادی را
دستگیر کنند. در شهر حکومت نظامی اعلام شد و
تا ۹ روز ادامه یافت.

به علامت همبستگی با اعتصاب کارگران
نساجی، دانش‌آموزان و دانشجویان دانشسرای
عالی نیز دست به تظاهرات زدند و بطرف عمارت
شهربانی بحرکت درآمدند. عده زیادی از اهالی
شهر به صفوف تظاهرکنندگان پیوستند. واحد
های پلیس به تظاهرکنندگان حمله بردند و عده‌ای
را بازداشت کردند. برای اعلام همبستگی با
اعتصاب کارگران نساجی قائمشهر، درسرای نیز
دانش‌آموزان اعتصاب کردند. در شهر کارگران
کارخانه چیت‌سازی پشتیبانی خود را از همزنجیران
خویش اعلام داشتند. بعلمت همبستگی وسیع
زحمتکشان شهرهای مختلف مازندران، با آنکه
نیروهای نظامی بروی اعتصابیون آتش گشودند،
نتوانستند آنها را سرکوب کنند.

پس از هشت روز کارخانه مجدداً بکار افتاد،
عده‌ای از کارگران سرکار خود بازگشتند، اما
عده‌ای هم از کار اخراج شدند.

کارگران قهرمان و مبارز نساجی قائمشهر
از این اعتصاب‌دوره‌های آموزنده‌ای گرفتند. آنها
بیش از پیش پی‌به‌ماهیت گردانندگان کارخانه
بردند و عملاً آنان را شریک و همدست مأموران
ساواک دیدند. کارگران آموختند که اعتصاب باید
با برنامه و طبق خواستهای مشخص انجام شود و
اتحاد کارگران، وجود تشکیلات و رهبری آگاه
و با تجربه شرط ضروری موفقیت کارگران دره‌پارزه
است. کارگران بیش از پیش به نیروی خود واقف
شدند و اطمینان یافتند که برخلاف تبلیغات
ساواک، دشمن شکست‌ناپذیر نیست، امام هم‌تراز
همه همبستگی عمیق دانش‌آموزان و دانشجویان
و قشرهای زحمتکش با اعتصاب کارگران نساجی
قائمشهر بود که آغاز پرتاب از اتحاد نیروها در
مبارزه علیه دشمن مشترک شد. سرانجام گسترش و
تحکیم این بهم‌پیوستگی خلق در مقیاس سراسر
کشور، توانست انقلاب ۲۱ و ۲۲ بهمن را با برود
سازد و یک رژیم ضد مردمی را بگور بسپارد.

پیروزی مبارزه طبقه کارگر ایران!
درود بر شهیدان طبقه کارگر!

توضیح

در شماره ۲۲ «مردم»، نامه مجله «یولداش» درباره جلوگیری از انتشار این مجله، که بدفتر
«مردم» رسیده بود، درج شد که «مردم» نیز بنوبه خود به این عمل اعتراض کرده بود.
لازم به تأکید نیست که درج نامه مجله «یولداش» و اعتراض «مردم» به جلوگیری از انتشار
این مجله، بر اساس مثنی اصولی حزب در دفاع از آزادیهای دموکراتیک صورت گرفته است و
و بهیچوجه بمعنی موافقت با مثنی سیاسی این مجله نیست و نمیتواند باشد.

از مبانی و اهداف آن امضا کرده‌است.

در ماده ۲ قرارداد تصریح شده است که «دولت کشورهای
متحد آمریکا، طبق قانون امنیت مشترک، مصوب سال ۱۹۵۴ و
اصلاحات آن و قوانین مربوط به کشورهای متحده آمریکا (ایران
ظاهراً پنجاه و یکمین ایالت از ایالات متحده آمریکا) و همچنین
قراردادهای مربوطه که بین دولت ایران و دولت کشورهای متحده
آمریکا تاکنون بسته شده و یا بعد از این بسته خواهد شد...»

متن قراردادهایی نیز که «تاکنون بسته شده» (یعنی تا
۱۳۳۷/۱۲/۲۰ بسته شده بود) و یا بعداً بسته خواهد شد (یعنی
قراردادهایی که از تاریخ تصویب قرارداد دوجانبه تا سقوط رژیم
شاه و ظرفروش بسته شده و تعداد آنها، بنوشته «اطلاعات» ۹۷۰
قرارداد تحمیلی است) باید انتشار یابد.

انتشار همه این مدارک برای نشان دادن درجه خیانت رژیم
مخلوع آریامهری و در نتیجه برای برکنار کردن ریشه‌های گندیده و متعفن
آن ضروری است. این یک اقدام انقلابی و اجابتی است برای بسیج
افتکار عمومی جهت لغو تمام قراردادهای تحمیلی و نیز برای جلوگیری
از عقد قراردادهای نظیر درآینده.

اگر دولت بخواهد - و بحکم انقلاب ایران باید بخواهد -
که استقلال کشور تأمین و تضمین گردد، می‌بایستی اعمال خیانت کارانه
رژیم دست نشانده و استعمارپذیر شاه مخلوع را در برابر افکار عمومی
تماماً فاش نماید.

در پایان، بنام مردم ستم‌دیده و غارت شده ایران و بنام مصالح
حال و آینده کشور می‌خواهیم که دولت رسماً و رسماً متن تمام قرارداد
هایی را که ایران با کشورهای خارجی بسته انتشار دهد. بگذار مردم
نسبت به هر یک از آنها قضاوت کنند.

محمد فرنیا توده‌ای
وفادار در گذشت



توده‌ای کهسال محمد
فرنیا، دوشنبه پنجم تیر ماه
در گذشت. وی هفتاد سال پیش،
در قزوین متولد شده بود.
در آغاز نوجوانی به همراهی
پدر در جنبش جنگل شرکت
داشت و در قزوین، با همراهی
دیگر آزادیخواهان، علیه رژیم
تزاری مبارزه میکرد. وی در
شغل بازرسی عدلیه، در دوران
رضاخان، مدتی در مازندران
مبارزه شدیدی را علیه دژخیمان
و زندان و متجاوزان به حقوق
مردم انجام داد و از جمله رئیس
شهربانی وقت محل را بخاطر
تجاوز به حقوق زحمتکشان،
از طریق قضائی مورد تعقیب
قرار داد و محکوم نمود. وی
سوس ناچار از قضاوت استعفاء
داد و به کار وکالت دادگستری
پرداخت و یکی از وکلای مدافع
گروه پنجاه و سه نفر برهبری
دکتر تقی ارانی بود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و
تشکیل حزب توده ایران،
وی به حزب پیوست و در مبارزه
علیه دیکتاتوری محمدرضای
مخلوع شرکت داشت. وی یکی
از اعضای گروه مقاومت قضایی
بود. فرنیاس از واقعه ۱۵ بهمن
۱۳۲۷ یکی از وکلای مدافع
اعضای کمیته مرکزی حزب
توده ایران در دادگاه نظامی
بود و در فاصله سالهای ۱۳۲۷-
۱۳۳۲، بطور خستگی‌ناپذیر
و کات عده زیادی از بازداشتیهای
سیاسی و توده‌ای را به عهده
گرفت.

محمد فرنیا در هیئت
مدیره جمعیت مبارزه با استعمار
شرکت فعال داشت. پس از
کودتای ۲۸ مرداد، به اتهام
امضاء اعلامیه درخواست اعلام
حکومت جمهوری بازداشت شد
و در خطر اعدام قرار گرفت. و
بالاخره پس از مدتی زندانی
آزاد گردید. محمد فرنیا تا
آخرین روزهای زندگی نسبت
به حزب خود وفادار بود.
خاطره‌اش گرامی باد.

نیاز به مترجم

دبیرخانه حزب توده
ایران نیاز جدی به کمک
دوستانی دارد که به زبانهای
خارجی بخوبی آشنائی
داشته و بتوانند متن برخی
اعلامیه‌ها و اسناد حزبی
را به زبانهای انگلیسی،
فرانسوی، آلمانی، عربی،
روسی و اسپانیولی بر
گردانند.

از رفقا و هواداران
و دوستان که بتوانند در
این زمینه ما را یاری دهند
تقاضا داریم هر چه زودتر
با دبیرخانه، خیابان ۱۶
آذر، شماره ۶۸ تماس بگیرند.
سپاسگزاریم

اسناد ناظر

به قرارداد

دوجانبه

ایران و

آمریکا

باید

منتشر

شوند

روزنامه اطلاعات، در شماره چهارم تیرماه، متن قرارداد
دوجانبه نظامی با آمریکا را انتشار داد. روزنامه ناهبرده می‌نویسد
که متن آن «امروز بدست خبرنگار ما افتاد». معنای این جمله
ظاهراً اینست که دولت نخواست است خود «مسئولیت» انتشار این سند
اسارت‌بخش را بر عهده گیرد. در اینجا قهرآ این سؤال پیش می‌آید
که چرا؟

متن انتشار یافته نشان می‌دهد که مبنای آن اولاً اعلامیه‌ای
است که در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ در لندن امضاء شده است. ثانیاً
«ماده اول پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه
۱۹۵۵ با امضاء رسیده است». متن آن اعلامیه و این پیمان (بغداد) نیز
باید منتشر شود.

سومین مبنای قرارداد، استعمارعلنی ایران است. در قرارداد
تصریح شده است که دولت ایران «اختیاراتی را که کنکره کشورهای
متحده آمریکا برای دادن مساعدت‌های مقتضی به موجب قانون امنیت
مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و همچنین به موجب
قطعه‌نامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه به
جمهوری آمریکا داده است، به رسمیت می‌شناسد». باید متن این
«قانون امنیت مشترک» و «اصلاحات آن» و نیز متن «قطعه‌نامه مشترک»
برای ایجاد صلح و ثبات خاورمیانه، که به رئیس جمهور آمریکا
اختیارات نامحدودی برای مداخله، از جمله مداخلات نظامی در
کشورهای خاورمیانه میدهد و رژیم دست نشانده سابق ایران اجرای
آن اختیارات را در کشور ما پذیرفته بود انتشار یابد.

متون این هر دو سند گرچه بظاهر مربوط به کنکره و دولت
آمریکاست، ولی محققان در وزارت خارجه ایران موجودند، و گرچه
باید قبول کنیم که «دولت شاهنشاهی» قرارداد را حتی بدون اطلاع

بر قرارداد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق